



مروری نظام‌مند بر پژوهش‌های داخلی قدرت نرم

سمانه طاهری^۱، احسان رئیسی^۲، سیدعلی اصغر میرباقری فرد^۳، احسین هرسیج^۴، سیده مریم روضاتیان^۵

۴۳

دوره ۱۵، شماره ۴، پیاپی ۴۳
زمستان ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۴-۰۶-۲۷
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۴-۱۲-۱۰
مصص: ۶۳-۴۱

شابا چاپی: ۵۵۹۹-۲۳۲۲

رتبه علمی

ب

پژوهش‌های فرهنگی و ادبیات فارسی
JOURNALS.MSRT.IR

چکیده

مفهوم «قدرت نرم» طی دو دهه اخیر به یکی از کانون‌های اصلی در پژوهش‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ایران تبدیل شد. این مقاله مروری، با هدف ترسیم تصویری جامع از مسیر تحول این حوزه، بر پایه تحلیل نظام‌مند بیش از پنجاه مقاله علمی منتشر شده بین سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۳ به واکاوی مسیر تاریخی، حوزه‌های موضوعی، رویکردهای نظری و شکاف‌های موجود در مطالعات قدرت نرم می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که پژوهش‌های اولیه در ایران عمدتاً تحت تأثیر نظریه جوزف نای متمرکز بر تعریف و تبیین مفهومی بوده‌اند، در حالی که طی یک دهه اخیر، گرایش به بومی‌سازی و تحلیل مصادیق فرهنگی، ادبی، آموزشی و رسانه‌ای افزایش یافته است. با وجود گسترش دامنه موضوعی، بررسی انتقادی مقاله‌ها حاکی از غلبه رویکردهای توصیفی، ضعف در روش‌های کمی، و فقدان چارچوب‌های تحلیلی بومی است. شکاف‌های اصلی پژوهشی شامل فقدان نظریه ایرانی قدرت نرم، ناپیوستگی میان تولید علمی و سیاست‌گذاری فرهنگی و کم‌توجهی به فرهنگ معاصر، زبان و ادبیات فارسی و فضای مجازی است. مقاله در پایان مسیرهای پژوهشی آینده را در پنج محور پیشنهاد می‌کند: نظریه‌پردازی بومی، توسعه شاخص‌های تجربی، تمرکز بر صنایع فرهنگی و رسانه‌های نوین، تحلیل تطبیقی منطقه‌ای، و تلفیق میان‌رشته‌ای داده‌محور. این یافته‌ها می‌تواند نقشه راهی برای گذار از تکرار نظریه‌های ترجمه‌ای به تولید دانش بومی و کاربردی در حوزه قدرت نرم ایران باشد.

واژه‌های کلیدی:

دیپلماسی فرهنگی، رسانه، سیاست فرهنگی ایران، ارتباطات میان‌فرهنگی، قدرت نرم

۱. دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
(نویسنده مسئول)
ehsan.reisi@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

۳. استاد، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

۴. استاد، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

۵. استاد، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران



مقدمه و بیان مسأله

مفهوم «قدرت نرم» نخستین‌بار در کتاب **Bound to Lead** جوزف نای در اوایل دهه ۱۹۹۰ وارد ادبیات علوم سیاسی شد و به سرعت جایگاه خود را در مطالعات روابط بین‌الملل و سیاست جهانی تثبیت کرد. در ساده‌ترین تعریف، قدرت نرم به توانایی یک کشور در «جذب» و «اقتناع» دیگران، بدون توسل به زور یا اجبار اشاره دارد (نای، ۱۳۹۳: ۲۷). این توانایی بر پایه فرهنگ، ارزش‌ها، ایدئولوژی، سیاست‌های داخلی و خارجی و ابزارهای رسانه‌ای شکل می‌گیرد (همان، ۲۹). اهمیت این مفهوم در جهان معاصر از آنجا ناشی می‌شود که رقابت قدرت‌ها دیگر صرفاً به بعد نظامی یا اقتصادی محدود نیست؛ بلکه توانایی یک بازیگر در شکل‌دهی به ترجیحات، هنجارها و نگرش‌های سایر بازیگران، نقشی تعیین‌کننده در معادلات جهانی ایفا می‌کند. به همین دلیل، قدرت نرم را می‌توان مکمل و حتی بدیل قدرت سخت دانست.

از اوایل دهه ۱۳۸۰ تا کنون حجم قابل‌توجهی از پژوهش‌ها در سطح جهانی به بررسی ابعاد و شاخص‌های قدرت نرم اختصاص یافته است در ایران نیز از اوایل دهه ۱۳۸۰، به‌ویژه پس از برجسته شدن این مفهوم در سیاست خارجی آمریکا و نقش رسانه‌های فراملی، پژوهشگران ایرانی، با تمرکز بر فرهنگ اسلامی، ادبیات، رسانه‌های ملی و ارزش‌های اجتماعی، کوشیدند ظرفیت‌های قدرت نرم ایران را تبیین کنند.

با این حال، مرور پژوهش‌های داخلی نشان می‌دهد که هرچند این حوزه از نظر کمیت رشد قابل توجهی یافته است، اما از نظر کیفی همچنان با کاستی‌های متعدد روبه‌روست. نخست، تنوع و پراکندگی در تعاریف و شاخص‌ها است. دوم، بسیاری از پژوهش‌ها بیش از آنکه مبتنی بر داده‌های تجربی باشند، بر پایه تحلیل‌های نظری یا هنجاری بنا شده‌اند. سوم، در پژوهش‌های داخلی ضعف آشکاری در بهره‌گیری از چارچوب‌های بین‌رشته‌ای مانند روان‌شناسی اجتماعی، مطالعات فرهنگی یا ارتباطات مشاهده می‌شود. از سوی دیگر، به نقش محوری «زبان و ادبیات فارسی» به عنوان یکی از غنی‌ترین و مؤثرترین منابع فرهنگی قدرت نرم، به شکلی نظام‌مند و در چارچوب‌های نوین رسانه‌ای و ارتباطی توجه کافی نشده است. بنابراین، ضرورت یک مرور نظام‌مند و تحلیلی از ادبیات قدرت نرم بیش از پیش احساس می‌شود؛ مروری که روند تاریخی این حوزه را بررسی کند، حوزه‌های موضوعی را شناسایی کرده و نقاط قوت و ضعف رویکردها را آشکار سازد. به همین سبب مقاله حاضر به مرور پژوهش‌های داخلی مربوط به قدرت نرم می‌پردازد.

اهداف پژوهش: هدف اصلی این مرور نظام‌مند، شناسایی و تحلیل سیر تاریخی مطالعات قدرت نرم و سیر تحول حوزه‌های موضوعی، رویکردهای نظری و شکاف‌های موجود در پژوهش‌های داخلی قدرت نرم ایران است. سؤالات پژوهش عبارتند از: سیر تاریخی پژوهش‌های قدرت نرم در ایران چگونه بوده است؟ حوزه‌های موضوعی اصلی این پژوهش‌ها چیست؟ نقاط قوت و ضعف رویکردهای نظری و روش‌شناختی چیست؟ شکاف‌های پژوهشی موجود و مسیرهای آینده چیست؟



روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از رویکرد مرور نظام‌مند بهره می‌گیرد. در واقع، مرور نظام‌مند یکی از انواع پژوهش‌های ثانویه و روشی ساخت‌یافته، هدفمند و تکرارپذیر برای گردآوری، ارزیابی و تلفیق شواهد علمی موجود درباره‌ی یک موضوع خاص است (جیسون و همکاران، ۲۰۱۱: ۵۴). این روش به پژوهشگر امکان می‌دهد تا با پیروی از گام‌های دقیق و ازپیش‌تعریف‌شده، تصویری جامع و تحلیلی از وضعیت دانش موجود در یک حوزه به دست آورد و خلأهای پژوهشی را شناسایی کند. در این مطالعه، مرور نظام‌مند به منظور تحلیل و طبقه‌بندی پژوهش‌های داخلی مرتبط با موضوع «قدرت نرم» انجام شده است.

فرایند مرور نظام‌مند در این پژوهش شامل هفت مرحله است که به شرح زیر انجام گرفت:

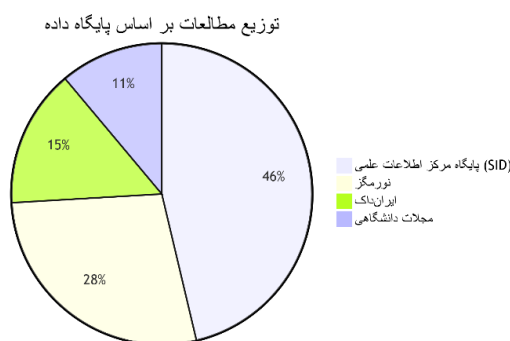
طبق دستورالعمل‌های مرور نظام‌مند، فرایند کار این مطالعه شامل مراحل زیر بود:

- **تعریف سؤال پژوهش و پروتکل:** سؤال اصلی پژوهش بر اساس چارچوب **PICO** تنظیم شد: پدیده/مسئله (قدرت نرم)، جمعیت/حوزه (پژوهش‌های داخلی ایران)، مقایسه (رویکردهای نظری و موضوعی مختلف)، نتیجه (شناسایی روندها، نقاط قوت/ضعف و شکاف‌ها). پروتکل پیشینی پژوهش شامل معیارها، استراتژی جستجو و روش تحلیل ثبت شد.
- **تعیین معیار ورود و خروج:** دامنه زمانی مقالات از سال ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۳ تعیین شد تا تمرکز بر پژوهش‌های معاصر باشد زبان معیار تحقیقات زبان بود. معیارهای ورود شامل مقالات علمی-پژوهشی مبتنی بر «قدرت نرم»، «دیپلماسی فرهنگی» یا مفاهیم مرتبط بود. منابع مروری و مطالعات غیردانشگاهی یا بدون چارچوب علمی مشخص حذف شدند.

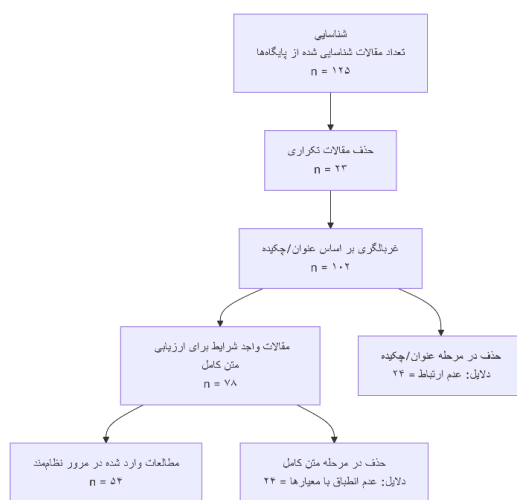
| معیار | ورود | خروج |
|-------------|---|--------------------------------------|
| بازه زمانی | ۱۳۸۵-۱۴۰۳ | قبل از ۱۳۸۵ |
| زبان | فارسی | سایر زبان‌ها |
| نوع مطالعه | مقالات علمی-پژوهشی | گزارش‌های غیردانشگاهی، پایان‌نامه‌ها |
| حوزه موضوعی | قدرت نرم، دیپلماسی فرهنگی، منابع قدرت نرم، الگوها و مدل‌های ارزیابی | موضوعات غیرمرتبط |
| چارچوب نظری | دارای چارچوب نظری مشخص | فاقد پایه نظری |
| داوری | دارای فرآیند داوری | بدون داوری |
| دسترسی | متن کامل قابل دسترس | متن کامل در دسترس نیست |

- **جستجوی منابع:** برای شناسایی تمام شواهد مرتبط، جستجوی جامع در پایگاه‌های داخلی انجام شد. پایگاه‌هایی مانند «SID»، «نورمگز»، «جامع علوم انسانی» و «ایران‌داک» و نشریات دانشگاهی بررسی شدند. برای جستجوی دقیق، از

کلیدواژه‌های متنوع مانند «قدرت نرم»، «دیپلماسی فرهنگی»، «آموزش زبان فارسی»، «منابع قدرت نرم»، «الگوی ارزیابی» و مانند این استفاده شد. استراتژی جستجو به نحوی طراحی شد که مجموعه مقالات مرتبط با معیارهای ورود را بازیابی کند.



- **غربالگری و انتخاب:** ابتدا عناوین و چکیده‌های مقالات بازیابی شده مرور و بررسی شد. مقالات تکراری یا نامرتب حذف سپس متن کامل مقالات مانده مطالعه شد تا تطابق با اهداف پرسش پژوهش تأیید گردد. در این مرحله، مقالاتی فاقد چارچوب نظری یا روش‌شناسی روشن، حذف شدن.



- **استخراج و تحلیل داده‌ها:** از مقالات واجد شرایط، اطلاعات طبقه‌بندی شده استخراج شد. از هر مقاله مواردی نظیر سال انتشار، نویسندگان، چارچوب نظری، روش پژوهش، جامعه آماری، کلیدواژه‌ها و نتایج اصلی گردآوری شد. این فرایند با دقت و مستندسازی کامل انجام شد تا انتخاب و ترکیب داده‌ها شفاف باشد.

در مجموع، این رویکرد نظام‌مند سبب شد که تحلیل مطالعات داخلی در زمینه‌ی قدرت نرم با دقت، جامعیت و قابلیت بازتولید همراه باشد و نتایج آن بر مبنای شواهد علمی معتبر استوار گردد.



بحث

بر اساس چارچوب روش‌شناسی مرور نظام‌مند و پس از طی مراحل شناسایی، انتخاب، پالایش و تحلیل محتوای منابع منتخب، در این بخش از پژوهش مطالعات انجام‌شده در زمینه قدرت نرم ایران بررسی می‌شود. هدف این بخش، ترسیم تصویری روشن از وضعیت موجود ادبیات علمی در این حوزه و شناسایی روندهای فکری و محتوایی حاکم بر آن است.

مطالعات گردآوری شده در این مرور نظام‌مند از دو منظر اصلی تحلیل می‌شوند: نخست، از منظر زمانی که سیر تحول تاریخی پژوهش‌ها و دوم، منظر مفهومی — موضوعی که محتوای مطالعات را بر اساس محورهای اصلی آن‌ها، از جمله فرهنگی، سیاسی، رسانه‌ای، زبان و آموزشی، تحلیل و طبقه‌بندی می‌کند. بدین‌سان، این بخش با تکیه بر یافته‌های استخراج‌شده از منابع علمی، می‌کوشد تا ضمن نشان دادن سیر تحول زمانی پژوهش‌ها، تنوع و گستره مفهومی آن‌ها را نیز آشکار سازد. در این بخش پژوهش‌ها بررسی می‌شود.

| سال انتشار | عنوان مقاله | نویسنده / نویسندگان | حوزه موضوعی |
|------------|--|--|-----------------------------|
| ۱۳۸۵ | راهبرد معناشناختی تولید قدرت نرم « در آمدی بر چالش‌های هرمنوتیک ادبیات نبرد» | سید اسماعیل افتخاری | منابع و ابزارهای فرهنگی |
| ۱۳۸۷ | منابع قدرت نرم، سرمایه اجتماعی نظام جمهوری اسلامی ایران | منوچهر محمدی | منابع و ابزارهای فرهنگی |
| ۱۳۸۸ | ژئوپلیتیک قدرت نرم ایران | حسین هرسیج، مجتبی تویسرکانی، لیلا جعفری | ژئوپلیتیک و سیاست بین‌الملل |
| ۱۳۸۹ | کالبدشکافی قدرت نرم و ابزارهای کاربردی آن | حسین رفیع، سید محمدجواد قربی | منابع و ابزارهای فرهنگی |
| ۱۳۸۹ | بررسی نقش فرهنگ به عنوان ابزار قدرت نرم با تأکید بر قدرت نرم ایالات متحده آمریکا | روح الامین سعیدی | منابع و ابزارهای فرهنگی |



| سال انتشار | عنوان مقاله | نویسنده / نویسندگان | حوزه موضوعی |
|------------|---|--|-----------------------------|
| ۱۳۸۹ | تأثیر مولفه های هویت ساز ایرانی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران | حسین هرسیج، مجتبی تویسرکانی | منابع و ابزارهای فرهنگی |
| ۱۳۸۹ | قدرت نرم، تهدید نرم؛ پیشنهادی در راستای سیاست سازی | ژانت بلیک، محمودرضا گلشن پژوه | ژئوپلیتیک و سیاست بین‌الملل |
| ۱۳۹۰ | مولفه های قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران | احمد متقی زاده | منابع و ابزارهای فرهنگی |
| ۱۳۹۰ | نقش رسانه ملی در ایجاد قدرت نرم و مقابله با جنگ نرم (با تأکید بر بازتولید سرمایه اجتماعی) | امیر قدسی | منابع و ابزارهای فرهنگی |
| ۱۳۹۰ | کاربرد قدرت نرم از ناحیه استکبار؛ رویکردی قرآنی | اصغر آقامهدوی، مهدی نادری باب اناری | متون دینی و الهیاتی |
| ۱۳۹۰ | جهانی شدن فرهنگی و قدرت نرم؛ ضرورت سیاستگذاری جدید با رویکرد نرم افزارانه | محمد لعل علیزاده، مژگان احمدپور اردجانی | منابع و ابزارهای فرهنگی |
| ۱۳۹۱ | آسیب شناسی جایگاه و نقش قدرت نرم فرهنگی و اجتماعی انقلاب اسلامی ایران | اصغر افتخاری، سیدجواد امام جمعه زاده | منابع و ابزارهای فرهنگی |
| ۱۳۹۱ | اثرگذاری قدرت نرم در دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران | علی آدمی، مهدی ذوالفقاری | منابع و ابزارهای فرهنگی |



| سال انتشار | عنوان مقاله | نویسنده / نویسندگان | حوزه موضوعی |
|------------|--|--|---------------------------------|
| ۱۳۹۱ | ظرفیت انگاره بین المللی در تولید قدرت نرم | غلامعلی چگنی زاده، یوسف سیفی | منابع و ابزارهای فرهنگی |
| ۱۳۹۱ | نقش فضای مجازی در قدرت نرم | مسعود جعفری نژاد، محمد رضا مکی نژاد اصفهان، محمد مهدی افشار | منابع و ابزارهای فرهنگی |
| ۱۳۹۲ | قدرت نرم و هویت فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران | رمضان شعبانی سارویی | منابع و ابزارهای فرهنگی |
| ۱۳۹۲ | تأثیرات منطقه ای و بین المللی قدرت نرم انقلاب اسلامی | سید محمد حسینی، عبدالله مبینی | ژئوپلیتیک و سیاست بین الملل |
| ۱۳۹۳ | منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران | روح الامین سعیدی، حمیدرضا مقدم فر | منابع و ابزارهای فرهنگی |
| ۱۳۹۳ | الگوی تحلیلی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران | سید صدرالدین موسوی جشنی | مدل‌های سنجش و ارزیابی قدرت نرم |
| ۱۳۹۳ | نقش فرهنگ سیاسی شیعه در میزان قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران | حسین مسعودنیا، علی حسینی، نجات محمدی فر | متون دینی و الهیاتی |
| ۱۳۹۳ | تحلیل قدرت نرم بریتانیا | سید جلال دهقانی فیروزآبادی، مهدی ذوالفقاری | ژئوپلیتیک و سیاست بین الملل |



| سال انتشار | عنوان مقاله | نویسنده / نویسندگان | حوزه موضوعی |
|------------|---|--|---------------------------------|
| ۱۳۹۳ | سرمایه اجتماعی حلقه ارتباطی قدرت نرم، امنیت نرم، تهدید نرم | فرزاد جهان بین، اعظم امامی | مدل‌های سنجش و ارزیابی قدرت نرم |
| ۱۳۹۴ | ساختار قدرت نرم در گفتمان اسلامی | اصغر افتخاری، علی کمالی | متون دینی و الهیاتی |
| ۱۳۹۵ | الگوی رهبری مبتنی بر قدرت نرم در آموزش عالی ایران | عباس رشنوادی، حسن زارعی متین، غلامرضا جندقی، سید مهدی الوانی | مدل‌های سنجش و ارزیابی قدرت نرم |
| ۱۳۹۵ | تبیین نقش و جایگاه قدرت نرم در تحقق اهداف سیاست داخلی و خارجی | رضا التیامی نیا، علی تقوائی نیا | ژئوپلیتیک و سیاست بین‌الملل |
| ۱۳۹۵ | شناسایی و الویت بندی مولفه های قدرت نرم در دانشگاه براساس مدل فازی | کریم اسگندری، رضا رستم زاده | مدل‌های سنجش و ارزیابی قدرت نرم |
| ۱۳۹۶ | فرهنگ و قدرت نرم؛ مطالعه منابع فرهنگی قدرت نرم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران | سیدمحمد جواد قربی، منصور حیدری | منابع و ابزارهای فرهنگی |
| ۱۳۹۶ | الگوی بومی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران؛ مدلی برای قدرت سازی بازیگران منطقه ای | مرتضی اسمعیلی | مدل‌های سنجش و ارزیابی قدرت نرم |
| ۱۳۹۶ | قدرت نرم سیاسی و فرهنگی امویان | رضا فرامرزنسب، زهرا احمدی | متون دینی و الهیاتی |



| سال انتشار | عنوان مقاله | نویسنده / نویسندگان | حوزه موضوعی |
|------------|---|--|---------------------------------|
| ۱۳۹۷ | الگوها و شاخص های سنجش و ارزیابی کارایی قدرت نرم کشور | ابوذر رفیعی قهساره | مدل های سنجش و ارزیابی قدرت نرم |
| ۱۳۹۸ | بررسی ارتباط زبان ملی و قدرت نرم در سیاست خارجی بازیگران بین المللی | سید محمدجواد قربی | زبان و ادبیات فارسی |
| ۱۳۹۸ | ماهیت قدرت نرم مطلوب از منظر قرآن | محسن خوش فر، حسین عصاریان نژاد، سیدمحمد جزایری | متون دینی و الهیاتی |
| ۱۳۹۸ | منابع نرم قدرت متعالی در اندیشه سیاسی امام خمینی | رضا لک زایی، مصطفی ملکوتیان | متون دینی و الهیاتی |
| ۱۳۹۸ | قدرت نرم در ایران باستان و انعکاس آن در سیاست خارجی | جواد پرنو | ژئوپلیتیک و سیاست بین الملل |
| ۱۳۹۸ | جهانی گرایی، فضای مجازی و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران | محمدسجاد شیرودی، علیرضا صدر | منابع و ابزارهای فرهنگی |
| ۱۳۹۸ | واکاوی مولفه های قدرت نرم در آموزه های مهدوی | روح الله عباس زاده | متون دینی و الهیاتی |
| ۱۳۹۸ | قدرت نرم و سایبری؛ کارکرد آن در جمهوری اسلامی ایران | محسن نجفی، حسین پوراحمدی | منابع و ابزارهای فرهنگی |



| سال انتشار | عنوان مقاله | نویسنده / نویسندگان | حوزه موضوعی |
|------------|---|--|-----------------------------|
| ۱۳۹۹ | تحلیل گفتمان قدرت نرم آموزش زبان و ادبیات فارسی در راهبرد دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران | سهیلا رضایی مهر، عباسعلی وفایی، داوود اسپرهم، عبدالرحیم حسن نژاد | زبان و ادبیات فارسی |
| ۱۳۹۹ | تجلی قدرت نرم در دعاهای صحیفه سجادیه | حسین حدیدی | متون دینی و الهیاتی |
| ۱۳۹۹ | تحلیل پیوند بلاغت ادبی و سیاست در شعر خاقانی بر اساس نظریه جوزف نای | ناصر قلی سارلی، حسین بیات، مجتبی رینوندغیاثوند | زبان و ادبیات فارسی |
| ۱۳۹۹ | دیپلماسی علمی به مثابه قدرت نرم: از تجارت جهانی تا الگوی بومی | محمدرضا کوهکن، حسین بشیر | منابع و ابزارهای فرهنگی |
| ۱۳۹۹ | تجزیه و تحلیل تاثیر فرهنگ ایثار بر قدرت نرم و امنیت نرم جمهوری اسلامی ایران | جعفر حیدری، حسین مسعودنیا، سیدغلامرضا دوازده امامی، محمودرضا رهبر قاضی | منابع و ابزارهای فرهنگی |
| ۱۴۰۰ | منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در عراق نوین | علی جدیدی، سوناز نصیری، سید صاحب برزین | مطالعات منطقه‌ای و موردی |
| ۱۴۰۰ | جایگاه قدرت نرم در مفهوم شناسی قدرت ملی | قادر عبدالعلی پور | ژئوپلیتیک و سیاست بین‌الملل |
| ۱۴۰۰ | درآمد بر چیستی قدرت نرم | محمدتقی امینی، محمدرضا مشایخ | منابع و ابزارهای فرهنگی |



| سال انتشار | عنوان مقاله | نویسنده / نویسندگان | حوزه موضوعی |
|------------|--|--|---------------------------------|
| ۱۴۰۰ | نقش سرمایه اجتماعی در افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران | مصطفی رضانیا | منابع و ابزارهای فرهنگی |
| ۱۴۰۰ | مدیریت احساسات به مثابه قدرت نرم با رویکرد اسلامی | یاسین پورعلی، میثم بلباسی، محمدجواد حسین نیاسوته، علی قرهی | متون دینی و الهیاتی |
| ۱۴۰۱ | طراحی مدل سنجش قدرت نرم کشورهای جهان | سید جواد موسوی زارع، سید هادی زرقانی، مصطفی امیر فخریان | مدل‌های سنجش و ارزیابی قدرت نرم |
| ۱۴۰۲ | تبیین ابعاد و مولفه‌های ارتقای رفاه عمومی با رویکرد قدرت نرم | احمد یاوریان، صدیقه طوطیان اصفهانی | مدل‌های سنجش و ارزیابی قدرت نرم |
| ۱۴۰۲ | رسانه‌های نوین ابزار قدرت نرم در دیپلماسی دولت‌ها | فاطمه تقوی رضانی، حسن درزیان رستمی، حمیدرضا حسینی دانا | منابع و ابزارهای فرهنگی |

سیر تاریخی پژوهش‌های قدرت نرم در ایران

بررسی داده‌های گردآوری شده از پژوهش‌های داخلی نشان می‌دهد که روند مطالعات در حوزه قدرت نرم در ایران را می‌توان

در سه مقطع عمده تحلیل کرد:

الف) دهه ۱۳۸۰

دهه ۱۳۸۰ را می‌توان دوره شکل‌گیری و تثبیت مطالعات قدرت نرم در ایران دانست. در این دوره، عمده مقالات بر مفاهیم نظری و بازخوانی دیدگاه‌های جوزف نای متمرکز بودند. نویسندگان کوشیدند ضمن معرفی این مفهوم، امکان بومی‌سازی آن در زمینه فرهنگی و سیاسی ایران را بررسی کنند. نخستین پژوهش‌های فارسی عمدتاً در حوزه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل انجام شد و بیش از آنکه بر زبان یا ادبیات تمرکز داشته باشند، بر ابعاد ژئوپلیتیک و کارکردهای منطقه‌ای قدرت نرم ایران تکیه کردند.



به‌عنوان نمونه، مقاله «ژئوپلیتیک قدرت نرم ایران» از حسین هر سیج، مجتبی تویسرکانی و لیلا جعفری در سال ۱۳۸۸ یکی از اولین آثاری است که تلاش می‌کند مفهوم قدرت نرم را با موقعیت ژئوپلیتیک ایران پیوند دهد. این مقاله بر ظرفیت‌های تمدنی و موقعیت جغرافیایی ایران در غرب آسیا تأکید دارد و قدرت نرم را نه صرفاً مفهومی فرهنگی، بلکه ابزاری در رقابت‌های منطقه‌ای معرفی می‌کند. اهمیت این پژوهش در آن است که آغازگر بحثی بود که بعدها در مقالات متعدد درباره «منابع قدرت نرم ایران» توسعه یافت. در همین دوره، پژوهش‌هایی همچون «کالبدشکافی قدرت نرم و ابزارهای کاربردی آن» از حسین رفیع و سید محمدجواد قربی در سال ۱۳۸۹، منتشر شد که هدف آن تبیین نظری قدرت نرم است تا تحلیل کاربردی آن. در این مقاله، قدرت نرم به‌عنوان مکمل قدرت سخت تعریف می‌شود و ابزارهایی مانند رسانه، تبلیغات، ادبیات و دین به‌عنوان عناصر محوری آن مطرح می‌شوند. این مرحله را می‌توان مرحله‌ی آغازین یا تبیینی نامید که هدف آن معرفی مفهوم قدرت نرم و تمایزگذاری میان آن با قدرت سخت بود.

ب) دهه ۱۳۹۰

با ورود به دهه ۱۳۹۰، مطالعات قدرت نرم وارد فاز تازه‌ای شد. ویژگی بارز این دوره، تنوع موضوعی و گسترش رویکردهای کاربردی و مطالعات میان‌رشته‌ای است. پژوهشگران به جای پرداختن صرف به مباحث مفهومی، به بررسی حوزه‌های خاص قدرت نرم همچون رسانه، دیپلماسی عمومی، گردشگری، ادبیات معاصر و حتی فناوری‌های نوین پرداختند. همچنین مقالاتی در حوزه فرهنگ و ادبیات بومی، به بررسی ظرفیت شعر فارسی، ادبیات عرفانی و میراث فرهنگی در ارتقای قدرت نرم ایران پرداخته‌اند. در این دهه توجه به زبان و ادبیات فارسی به‌عنوان ابزار کلیدی قدرت نرم دیده می‌شود. این رویکرد مبتنی بر این واقعیت است که زبان ملی و ادبیات کلاسیک نه تنها ابزار ارتباط فرهنگی، بلکه حاملان ارزش‌های تمدنی و هویتی نیز هستند. برای نمونه، مقاله «بررسی ارتباط زبان ملی و قدرت نرم در سیاست خارجی» از سید محمدجواد قربی در سال ۱۳۹۸ نشان می‌دهد که زبان ملی نقش دوگانه‌ای در تقویت قدرت نرم ایفا می‌کند: نخست، به‌عنوان ابزار هویت‌بخش داخلی؛ دوم، به‌عنوان پلی ارتباطی در روابط خارجی.

همچنین، مقاله «تحلیل گفتمان قدرت نرم آموزش زبان و ادبیات فارسی» از سهیلا رضایی مهر، عباسعلی وفایی و داوود اسپرهم در سال ۱۳۹۹ نمونه‌ای بارز از مطالعاتی است که نشان دادند آموزش زبان فارسی به غیرایرانیان به‌ویژه در کشورهای آسیای مرکزی و شبه‌قاره می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در گسترش نفوذ فرهنگی ایران ایفا کند. در همین راستا، برخی پژوهش‌ها نیز به سراغ متون ادبی کلاسیک رفتند. مقاله «تحلیل پیوند بلاغت ادبی و سیاست در شعر خاقانی» از ناصرقلی سارلی، حسین بیات و مجتبی رینوندغیاثوند در سال ۱۳۹۹ کوشید تا نشان دهد که چگونه ظرفیت‌های بلاغی متون کلاسیک می‌توانند به‌عنوان ابزارهای انتقال پیام‌های سیاسی و فرهنگی در عصر جدید بازخوانی شوند. به همین سبب این دوره را می‌توان مرحله تلفیق علوم سیاسی با زبان و ادبیات دانست که در آن قدرت نرم نه صرفاً مفهومی سیاسی، بلکه پدیده‌ای فرهنگی - ادبی نیز تلقی شده.



از سوی همزمان با گسترش مطالعات زبانی و ادبی، گروهی از پژوهشگران بر منابع دینی و متون اسلامی به‌عنوان یکی از ارکان قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران تأکید کردند. برای نمونه، مقاله «ماهیت قدرت نرم مطلوب از منظر قرآن» از محسن خوش‌فر و همکاراندر سال ۱۳۹۸ نشان می‌دهد که مفاهیمی چون عدالت، معنویت و اخلاق قرآنی می‌توانند به‌عنوان منابعی پایدار برای نفوذ نرم عمل کنند. همچنین، مقاله «تجلی قدرت نرم در دعاهای صحیفه سجادیه» از حسین حدیدی در سال ۱۳۹۹ تأکید دارد که دعاها و ادعیه شیعی، علاوه بر نقش معنوی، حامل پیام‌های اجتماعی - سیاسی هستند که قابلیت صدور فرامرزی دارند. این جریان فکری نشان می‌دهد که در ایران، برخلاف بسیاری از کشورها که قدرت نرم بیشتر بر فرهنگ سکولار و هنر متکی است، منابع دینی را نیز به‌عنوان رکن مهمی در نظر می‌گیرد.

از سوی دیگر پس از تحولات منطقه‌ای و تشدید جنگ رسانه‌ای، پژوهش‌های داخلی به تحلیل نقش رسانه‌های نوین و شبکه‌های اجتماعی در تقویت یا تضعیف قدرت نرم ایران پرداختند؛ مانند مقاله «جهانی‌گرایی، فضای مجازی و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران» از محمد سجاد شیرویدی و علیرضا صدر در سال ۱۳۹۸ که با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی تأثیر جهانی‌گرایی و فضای مجازی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را تحلیل می‌کند.

ج) دهه ۱۴۰۰

این دهه را می‌توان مرحله «چرخش بین‌رشته‌ای» در مطالعات قدرت نرم دانست. در این دوره، پژوهش‌ها به سوی حوزه‌هایی سوق پیدا کردند که پیش‌تر کمتر مورد توجه بودند، از جمله آموزش زبان فارسی، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی. در واقع در این دهه محققان کوشیده‌اند از منابع اصیل فرهنگی و ادبی ایران برای توضیح و تقویت قدرت نرم بهره‌گیرند. همچنین، توجه به فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان عرصه جدید قدرت نرم، بیانگر آگاهی پژوهشگران نسبت به تحولات معاصر و لزوم بازنگری در منابع سنتی است. برای مثال مقاله «قدرت نرم ایران در فضای مجازی» در سال ۱۴۰۱ که نشان می‌دهد چگونه فضای دیجیتال به بستری برای بازتولید یا چالش قدرت نرم تبدیل شده است. در این دهه، تلاش‌هایی برای تلفیق رویکردهای کمی و کیفی نیز مشاهده می‌شود، هرچند همچنان چالش‌های جدی در زمینه روش‌شناسی و دستیابی به داده‌های معتبر باقی است. می‌توان گفت در این دهه روند پژوهش‌ها نشان‌دهنده حرکت از سطح نظری و کلان به سمت مطالعات کاربردی و منطقه‌ای است. مقاله «منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در عراق نوین» از علی حدیدی و همکاران در سال ۱۴۰۰ نمونه‌ی بارز این مرحله است. نویسندگان در این مقاله نشان می‌دهند که قدرت نرم ایران در عراق بر پایه اشتراکات مذهبی، فرهنگی و تاریخی شکل گرفته و در عین حال با چالش‌هایی همچون رقابت‌های فرقه‌ای و نفوذ قدرت‌های خارجی روبه‌روست. این مرحله را می‌توان مرحله‌ی کاربردی و مصداق‌محور نامید؛ جایی که پژوهش‌ها به‌طور مستقیم به سیاست‌گذاری فرهنگی و خارجی ایران مرتبط می‌شوند و از تحلیل‌های نظری فراتر می‌روند.

حوزه‌های موضوعی تحقیقات قدرت نرم



بررسی نظام‌مند منابع نشان می‌دهد که پژوهش‌های داخلی قدرت نرم را می‌توان در شش حوزه اصلی دسته‌بندی کرد که هر یک از این حوزه‌ها در دوره‌های مختلف تاریخی رشد یافته و بر شکل‌گیری فهم کنونی از قدرت نرم تأثیر گذاشته‌اند.

۱. ژئوپلیتیک و سیاست بین‌الملل

یکی از نخستین و مهم‌ترین حوزه‌ها در مطالعات داخلی، تمرکز بر ابعاد ژئوپلیتیک قدرت نرم ایران بوده است. این رویکرد بر این فرض استوار است که جایگاه جغرافیایی و تمدنی ایران می‌تواند ابزار مهمی برای نفوذ نرم باشد. مقاله‌ی «ژئوپلیتیک قدرت نرم ایران» از هرسیج، تویسرکانی و جعفری در سال ۱۳۸۸ به‌عنوان یکی از نخستین پژوهش‌ها در این زمینه، بر موقعیت ایران در قلب خاورمیانه و ارتباط تاریخی آن با تمدن‌های بزرگ تأکید کرد. در این مقاله، ایران به‌عنوان کانونی فرهنگی — تمدنی معرفی می‌شود که می‌تواند از پیوندهای تاریخی، مذهبی و زبانی برای ایجاد قدرت نرم استفاده کند. اهمیت این حوزه در آن است که ایران در فضایی رقابتی با قدرت‌های منطقه‌ای ترکیه، عربستان، اسرائیل و فرامطقه‌ای آمریکا قرار دارد و قدرت نرم به‌عنوان مکملی برای قدرت سخت، نقش استراتژیک پیدا می‌کند. بااین‌حال، نقد اصلی به این حوزه آن است که بیش از حد کلان‌نگر بوده و کمتر به عناصر فرهنگی ملموس مثل زبان و هنر پرداخته است.

۲. منابع و ابزارهای فرهنگی

از اوایل دهه ۱۳۹۰، توجه پژوهش‌ها به منابع فرهنگی قدرت نرم جلب شد. در این حوزه، فرهنگ به‌معنای مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها، هنر، ادبیات و آیین‌ها در نظر گرفته شد که قابلیت جذب و نفوذ دارند. مقاله‌ی «منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران» از سعیدی و مقدم‌فر در سال ۱۳۹۳ نمونه‌ای شاخص است. این مقاله با بهره‌گیری از چارچوب جوزف نای، منابعی همچون میراث تمدنی و ادبیات کلاسیک، دین و گفتمان انقلاب اسلامی، رسانه‌های نوین، نهادهای علمی و آموزشی، را به‌عنوان ابزارهای اصلی قدرت نرم معرفی می‌کند. در همین حوزه، مقاله‌ی «کالبدشکافی قدرت نرم و ابزارهای کاربردی آن» از رفیع و قربی در سال ۱۳۸۹ نیز تأکید می‌کند که ابزارهایی مانند موسیقی، سینما و ادبیات داستانی نیز بخشی از قدرت نرم هستند.

۳. زبان و ادبیات فارسی

یکی از مهم‌ترین و نوآورانه‌ترین حوزه‌ها در مطالعات قدرت نرم ایران، توجه به زبان فارسی است. این حوزه از اواخر دهه ۱۳۹۰ پررنگ شد و به سرعت گسترش یافت. مقاله‌ی «بررسی ارتباط زبان ملی و قدرت نرم در سیاست خارجی» از سید محمدجواد قربی در سال ۱۳۹۸ به‌طور مستقیم زبان ملی را به‌عنوان عامل هویت‌ساز داخلی و ابزار نفوذ خارجی بررسی می‌کند. این مقاله نشان می‌دهد که کشورهایی چون فرانسه، اسپانیا و چین با سیاست‌های زبانی توانسته‌اند جایگاه بین‌المللی خود را ارتقا دهند و ایران نیز می‌تواند از زبان فارسی به همین منظور استفاده کند. از سوی دیگر، «تحلیل گفتمان قدرت نرم آموزش زبان و ادبیات فارسی» از رضایی‌مهر، وفایی، اسپرهم در سال ۱۳۹۹ آموزش فارسی به غیرایرانیان را به‌عنوان پروژه‌ای فرهنگی — سیاسی تحلیل می‌کند. یافته‌های این مقاله بیانگر آن است که زبان فارسی در آسیای مرکزی، قفقاز و شبه‌قاره نه فقط زبان ادبیات، بلکه زبان هویت و دیپلماسی فرهنگی است. این حوزه اهمیت دوگانه‌ای دارد: از یک‌سو تقویت هویت ملی و از سوی دیگر ایجاد ارتباطات



بین‌المللی. اما محدودیت آن است که زیرساخت‌های آموزشی زبان فارسی در خارج از کشور کافی نیست و بسیاری از این پژوهش‌ها صرفاً پیشنهاددهنده هستند، نه مبتنی بر داده‌های میدانی.

ادبیات فارسی از دیرباز حامل پیام‌های فرهنگی و سیاسی بوده است. برخی پژوهش‌ها کوشیده‌اند این ظرفیت تاریخی را در چارچوب قدرت نرم بازخوانی کنند. مقاله «تحلیل پیوند بلاغت ادبی و سیاست در شعر خاقانی» از سارلی، بیات و رینوندغیاثوند در سال ۱۳۹۹ نشان می‌دهد که بلاغت شعر خاقانی تنها جنبه زیبایی‌شناختی ندارد، بلکه حامل پیام‌های سیاسی و اجتماعی است. نویسندگان استدلال می‌کنند که بازخوانی چنین متونی می‌تواند به بازتولید سرمایه فرهنگی ایران در سطح منطقه‌ای کمک کند. این حوزه نقطه اتصال مطالعات ادبی و علوم سیاسی است و اهمیت در این است که ادبیات کلاسیک نه تنها میراث فرهنگی، بلکه سرمایه سیاسی تلقی می‌شود؛ اما مشکل این حوزه آن است که پژوهش‌ها اغلب به تحلیل متون خاص محدود ماند و کمتر به ایجاد چارچوب نظری پرداختند.

۴. متون دینی و الهیاتی

یکی دیگر از حوزه‌های پررنگ، تحلیل متون دینی اسلامی به‌عنوان منابع قدرت نرم است. «ماهیت قدرت نرم مطلوب از منظر قرآن» از خوش‌فر، عساریان‌نژاد و جزایری در سال ۱۳۹۸ تأکید می‌کند که مفاهیمی چون عدالت و اخلاق قرآنی می‌توانند مبنای قدرت نرم باشند. «تجلی قدرت نرم در دعاهای صحیفه سجادیه» از حدیدی نیز دعاها را حامل پیام‌های اجتماعی — سیاسی می‌داند که قابلیت صدور فرامرزی دارند. این حوزه ویژگی منحصربه‌فرد پژوهش‌های ایرانی است؛ زیرا در بسیاری از کشورها قدرت نرم بیشتر بر فرهنگ سکولار یا هنر متکی است، اما در ایران دین به‌عنوان منبع اصلی قدرت نرم مطرح می‌شود. با این حال، نقد جدی اینجاست که بسیاری از پژوهش‌ها در این زمینه بیشتر جنبه‌ی موعظه‌ای و ارزشی دارند تا پژوهش تجربی یا تطبیقی.

۵. مدل‌های سنجش و ارزیابی قدرت نرم

یکی از تلاش‌های مهم پژوهشگران ایرانی، حرکت به سمت عملیاتی کردن و سنجش‌پذیر کردن قدرت نرم بوده است. مقاله «الگوها و شاخص‌های سنجش و ارزیابی کارایی قدرت نرم» از رفیعی قهساره در سال ۱۳۹۷ کوشید مجموعه‌ای از شاخص‌های کمی و کیفی مانند جذابیت فرهنگی، اعتماد سیاسی، نفوذ رسانه‌ای طراحی کند. اهمیت این رویکرد در آن است که قدرت نرم را از سطح مفاهیم انتزاعی به حوزه‌ی سنجش و مقایسه می‌کشد. با این حال، بسیاری از این مدل‌ها بومی‌سازی کافی ندارند و بر ترجمه مدل‌های غربی استوار هستند. بنابراین، نیاز به تحقیقات میدانی و داده‌های آماری در این حوزه جدی است.

۶. مطالعات منطقه‌ای و موردی

در سال‌های اخیر، پژوهش‌ها به سمت مطالعات موردی حرکت کردند. این روند نشان می‌دهد که پژوهشگران در حال عبور از مباحث نظری و ورود به عرصه کاربردی هستند. برای مثال مقاله «منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در عراق نوین» از حدیدی و همکاران در سال ۱۴۰۰ نمونه بارز است که نشان می‌دهد قدرت نرم ایران در عراق بر پیوندهای دینی و فرهنگی استوار است.

نمودار مطالعات قدرت نرم



نقد و تحلیل نقاط قوت و ضعف پژوهش‌های پیشین

بررسی تطبیقی و تحلیلی پژوهش‌های فارسی در حوزه قدرت نرم نشان می‌دهد که علی‌رغم رشد کمی آثار در دو دهه اخیر، این بدنه علمی از نظر عمق نظری، انسجام مفهومی و روش‌شناسی هنوز در مرحله گذار است. نخستین ضعف بنیادین، غلبه رویکرد ترجمه‌ای و بازتابی در تحلیل‌ها است، به‌گونه‌ای که بیشتر پژوهش‌ها به بازگویی مفاهیم جوزف نای و شاگردان او بسنده کرده‌اند و کمتر شاهد بازتولید یا نقد خلاق آن هستیم. در نتیجه، تولید نظریه بومی یا حتی تعدیل مفاهیم بر پایه فرهنگ و تاریخ ایران به ندرت رخ داده است.

دومین نکته انتقادی، سطحی بودن چارچوب‌های مفهومی و تشتت در استفاده از نظریه‌ها است. برخی مقالات قدرت نرم را ذیل گفتمان فرهنگی، برخی دیگر ذیل ارتباطات یا سیاست خارجی تحلیل کرده‌اند، بی‌آنکه پیوندهای نظری میان این حوزه‌ها تبیین شود. این پراکندگی سبب شد که ادبیات پژوهشی قدرت نرم در ایران فاقد «مدل نظری منسجم» باشد و بیشتر از «واژگان مشترک» تا «چارچوب‌های فکری مشترک» بهره ببرد.

در سطح روش‌شناسی نیز، بخش عمده‌ای از پژوهش‌ها بر روش‌های توصیفی یا تحلیل محتوای غیرنظام‌مند استوار هستند. پژوهشگر در بسیاری از موارد به تحلیل کیفی متن یا مرور رسانه‌ها بسنده می‌کند و از طراحی شاخص‌ها، نمونه‌گیری آماری یا آزمون تجربی اثرگذاری غافل می‌ماند. نتیجه آنکه یافته‌های پژوهش‌ها غالباً «توصیفی و غیرقابل تعمیم» باقی ماند و به سیاست‌گذاری فرهنگی یا دیپلماسی عملی منجر نشد.

از دیگر کاستی‌ها، فقدان رویکرد انتقادی به خود مفهوم قدرت نرم است. تقریباً هیچ پژوهشی به بررسی محدودیت‌های نظریه نای در شرایط فرهنگی غیرغربی پرداخت. در حالی که ادبیات پسااستعماری و نظریه‌های گفتمان نشان می‌دهند که قدرت نرم خود یک سازوکار سلطه نمادین است که نیاز به بومی‌سازی انتقادی دارد (نوابخش و درودی، ۱۳۹۳: ۶۰)



افزون بر این، رابطه میان قدرت نرم و ادبیات فارسی یا فرهنگ اسلامی-ایرانی نیز بیشتر از منظر تزئینی و شعاری دیده می‌شود تا تحلیلی. در حالی که ادبیات می‌تواند نه تنها ابزار بازنمایی فرهنگی، بلکه میدان تولید قدرت نمادین باشد. نبود بهره‌گیری از نظریه‌های فرهنگی در این حوزه محسوس است و همین امر باعث شده پژوهش‌های ایرانی در سطح توصیف باقی بمانند.

در نهایت، فقدان ارزیابی انتقادی از بدنه پژوهش‌ها نقطه ضعف مهم دیگری است. به جز معدود مطالعات فراتحلیلی، اکثر مقالات بدون ارجاع متقابل یا مقایسه تطبیقی منتشر شده‌اند و پیوند میان نسل‌های پژوهش قطع است. در نتیجه، روند تکامل مفهومی قدرت نرم در ایران نه به صورت پیوسته، بلکه به شکل جزیره‌ای و مقطعی پیش رفته است.

با توجه نقاط ضعف این پژوهش‌ها می‌توان نقاط قوتی را نیز برای آنان بیان کرد که برخی از این نقاط قوت عبارت است:

۱. روشن کردن نقش مولفه‌های غیراقتصادی و غیرسخت در قدرت نرم ایران

۲. ارائه تصویری جامع از منابع نرم در اسناد کلان هویتی

۳. تطبیق نظریه قدرت نرم نای با متن فرهنگ ایرانی اسلامی

برآیند این نقدها نشان می‌دهد که اگرچه حجم تولید دانش در این حوزه رشد کرد، اما کیفیت روش شناختی و انسجام نظری

همچنان چالش اصلی مطالعات قدرت نرم در ایران باقی مانده است.

۶. شکاف‌های پژوهشی

بررسی بدنه پژوهش‌های فارسی در حوزه قدرت نرم، ضمن نمایش تنوع و پویایی، حاکی از کاستی‌های ساختاری و موضوعی

است که مانع از بلوغ نظری و کاربردی این حوزه می‌شود. این شکاف‌ها را می‌توان در چند سطح اصلی دسته‌بندی کرد:

۱. شکاف نظری: بومی‌سازی ناکافی چارچوب‌ها

بیشتر پژوهش‌ها چارچوب نظری جوزف نای را به‌طور مستقیم اقتباس کردند. این در حالی است که قدرت نرم ایران مبتنی بر مؤلفه‌هایی چون میراث عرفانی، زبان فارسی و ادبیات دینی است که در نظریه‌های غربی جایگاهی ندارند. پژوهش‌هایی مانند «ماهیت قدرت نرم مطلوب از منظر قرآن» یا «تجلی قدرت نرم در دعا‌های صحیفه سجادیه» تلاش‌هایی ارزشمند برای بازاندیشی در مفاهیم هستند، اما هنوز یک نظریه جامع بومی شکل نگرفت. این خلأ باعث شد ادبیات علمی در سطح مفاهیم باقی بماند و کمتر به نظریه‌پردازی مستقل برسد.

شکاف: فقدان نظریه بومی قدرت نرم ایران که هم عناصر دینی-فرهنگی و هم الزامات سیاست بین‌الملل را ادغام کند.

۲. شکاف روش شناختی: سلطه کیفی و غیبت داده‌های تجربی

اکثر پژوهش‌ها با روش توصیفی-تحلیلی و تحلیل محتوا انجام شدند. در حالی که در مطالعات بین‌المللی، پیمایش‌ها، داده‌های آماری و روش‌های ترکیبی برای سنجش تأثیرگذاری قدرت نرم رایج است. غیبت داده‌های پیمایشی مانند نظر مخاطبان خارجی درباره جذابیت فرهنگی ایران موجب می‌شود پیشنهادها پژوهشگران پشتوانه تجربی نداشته باشند.

شکاف: نبود شاخص‌های بومی سنجش قدرت نرم و داده‌های پیمایشی منظم در جوامع هدف.



۳. شکاف موضوعی: غفلت از فرهنگ معاصر و صنایع خلاق

بخش مهمی از مطالعات بر متون کلاسیک و دینی متمرکز است. هرچند این حوزه‌ها بنیادینی هستند، اما ظرفیت‌های معاصر مانند سینما، موسیقی، هنرهای دیجیتال، بازی‌های رایانه‌ای و رسانه‌های اجتماعی به‌ندرت بررسی می‌شوند.

شکاف: کمبود مطالعات درباره‌ی هنر معاصر و صنایع خلاق ایران در چارچوب قدرت نرم.

۴. شکاف جغرافیایی: تمرکز بر حوزه‌های همسایه

پژوهش‌ها عمدتاً به عراق و کشورهای مجاور پرداختند. اما ظرفیت زبان و ادبیات فارسی در آسیای میانه، قفقاز، شبه‌قاره، و حتی در جوامع مهاجر ایرانی در اروپا و آمریکا کمتر کاویده و تحلیل می‌شود. در حالی که گسترش زبان فارسی در هند یا افغانستان سابقه‌ی عمیق تاریخی دارد و بررسی و تحلیل دوباره‌ی آن می‌تواند راهبردی باشد.

شکاف: فقدان مطالعات تطبیقی در مناطق غیرهمسایه.

۵. شکاف میان‌رشته‌ای: جدایی علوم انسانی و علوم سیاسی

گرچه برخی پژوهش‌ها تلاش کردند زبان و ادبیات را با قدرت نرم پیوند دهند، اما اغلب مطالعات سیاسی و ادبی در فضای جداگانه پیش می‌روند. ادبیات فارسی هنوز به‌طور منسجم در قالب یک ابزار سیاست فرهنگی تحلیل نشده و بالعکس، پژوهش‌های علوم سیاسی کمتر از ظرفیت‌های نقد ادبی، نشانه‌شناسی یا روایت‌شناسی بهره‌برده‌اند.

شکاف: کمبود پژوهش‌های میان‌رشته‌ای که زبان، ادبیات، فرهنگ عامه و سیاست را به‌صورت یکپارچه بررسی کنند.

۶. شکاف کارکردی: از نظر تا سیاست عملی

پژوهش‌ها اغلب به سطح توصیه‌های کلی محدود می‌شوند، اما کمتر پژوهشی به این پرداخته که چگونه سیاست‌گذاران می‌توانند این توصیه‌ها را به برنامه‌های اجرایی بدل کنند: مثلاً تدوین محتوا برای آموزش فارسی در خارج، یا استفاده‌ی راهبردی از شعر کلاسیک در دیپلماسی فرهنگی. نبود این پیوند میان دانش نظری و سیاست عملی، کارآمدی پژوهش‌ها را محدود می‌کند.

شکاف: فقدان پژوهش‌های کاربردی و سیاست‌پژوهانه با راهکارهای اجرایی مشخص.

۷. شکاف نهادی و داده‌ای

چالش مهم دیگر، نبود نهادهای مستقل و شفاف برای گردآوری داده، سنجش اثربخشی و انتشار آزادانه‌ی نتایج است. بسیاری از داده‌ها یا به‌طور پراکنده در سازمان‌های دولتی باقی می‌مانند یا به دلیل ملاحظات امنیتی منتشر نمی‌شوند. این امر به فقر داده‌ی باز منجر شد و پژوهشگران را به تکرار تحلیل‌های نظری سوق داد.

شکاف: نیاز به نهادهای پژوهشی مستقل و بانک‌های داده‌ی باز برای سنجش و تحلیل قدرت نرم.

مسیرهای پژوهشی پیش‌رو



تحلیل شکاف‌های پژوهشی نشان می‌دهد که ادبیات علمی قدرت نرم در ایران هنوز در مرحله رشد قرار دارد و نیازمند بازاندیشی نظری، تنوع روش‌شناسی، و توسعه کاربردهای عملی است. بر این اساس، مسیرهای پژوهشی آینده را می‌توان در چند محور کلیدی ترسیم کرد:

۱. نظریه‌پردازی بومی و بازتعریف مفاهیم

ضروری است پژوهشگران ایرانی چارچوب‌های نظری بومی متناسب با زمینه فرهنگی، دینی و تاریخی ایران را توسعه دهند. این امر می‌تواند از رهگذر:

- تلفیق مفاهیم اسلامی-ایرانی مانند مفهوم «امت»، «معنویت»، یا «فرهنگ مقاومت» با چارچوب‌های روابط بین‌الملل.
- بازتفسیر میراث ادبی و عرفانی فارسی در قالب مقولات نرم قدرت برای نمونه جذابیت «ایران فرهنگی» بر مبنای حافظ، مولوی یا سعدی.
- مقایسه تطبیقی با نظریه‌های غیرغربی مانند «قدرت جذاب» در چین یا «نرم‌قدرت آسیایی» در ژاپن
- این مسیر می‌تواند به تولید نظریه‌ای منسجم منجر شود که نه صرفاً تقلیدی از نای است و نه محدود به قرائت‌های دینی سستی.

۲. توسعه روش‌های سنجش تجربی

- یکی از نیازهای اساسی، طراحی و آزمون شاخص‌های بومی قدرت نرم است. برای این منظور:
- پیمایش‌های میدانی در جوامع هدف مانند عراق، آسیای میانه، اروپا درباره نگرش مخاطبان به فرهنگ و ادبیات فارسی.
 - شاخص‌های کمی مانند میزان ترجمه متون فارسی، تعداد مراکز آموزش زبان فارسی در خارج، یا حضور محتوای فرهنگی ایران در رسانه‌های جهانی.
 - روش‌های ترکیبی برای تلفیق تحلیل محتوا با داده‌های کمی.
 - بدین ترتیب، پژوهش‌ها از سطح توصیفی به سوی سیاست‌پژوهی مبتنی بر شواهد حرکت خواهند کرد.

۳. تمرکز بر فرهنگ معاصر و صنایع خلاق

- پژوهش‌های آینده باید بیش از گذشته به هنر معاصر و رسانه‌های نوین بپردازند. مسیرهای پیشنهادی:
- تحلیل نقش سینمای ایران در شکل‌دهی به برند فرهنگی کشور.
 - بررسی موسیقی پاپ، تئاتر معاصر، و هنرهای تجسمی به‌عنوان ابزار نرم‌قدرت.
 - مطالعه رسانه‌های اجتماعی، اینفلوئنسرها و تولید محتوای دیجیتال که امروزه نقشی تعیین‌کننده در جذابیت فرهنگی ایفا می‌کنند.
 - بدون توجه به این عرصه‌ها، تصویر ایران در افکار عمومی جهان به‌طور کامل بازتاب داده نخواهد شد.



۴. گسترش جغرافیای پژوهش

برای درک ظرفیت واقعی قدرت نرم ایران، تحقیقات باید از تمرکز صرف بر عراق و کشورهای همسایه فراتر روند برای مثال:

- آسیای میانه و قفقاز: بازخوانی نقش تاریخی فارسی در تاجیکستان، ازبکستان و آذربایجان.
- شبه‌قاره هند: مطالعه میراث فارسی در هند و پاکستان و امکان باززنده‌سازی آن.
- اروپا و آمریکای شمال: تحلیل جایگاه جوامع مهاجر ایرانی و نهادهای فرهنگی.
- آفریقا: بررسی نقش‌های نوظهور فرهنگی ایران.
- این مطالعات تطبیقی می‌توانند نشان دهند که کدام مناطق برای سیاست فرهنگی ایران اولویت دارند.

۵. میان‌رشته‌ای‌سازی پژوهش‌ها

آینده مطالعات قدرت نرم فارسی در گرو همکاری گسترده رشته‌ها است:

- ادبیات و نقد ادبی: تحلیل روایت‌ها، استعاره‌ها و بازنمایی‌های فرهنگی.
- علوم ارتباطات و رسانه: بررسی اثرگذاری رسانه‌های جدید و تبلیغات دیجیتال.
- علوم اجتماعی و روان‌شناسی فرهنگی: سنجش جذابیت و تأثیرات ذهنی-شناختی فرهنگ ایرانی.
- علوم داده و تحلیل شبکه: پایش محتوای فارسی در فضای مجازی جهانی.
- چنین هم‌افزایی میان‌رشته‌ای به فهم جامع‌تری از قدرت نرم و ابزارهای آن منجر می‌شود.

۶. پژوهش‌های کاربردی و سیاست‌پژوهانه

لازم است پژوهش‌های آینده از سطح توصیه‌های کلی به راهکارهای اجرایی ملموس ارتقا یابند. نمونه‌هایی از این مسیر عبارتند

از:

- طراحی الگوهای آموزشی نوین زبان فارسی برای غیرایرانیان با متون ساده، محتوای چندرسانه‌ای و فناوری دیجیتال.
- تدوین راهبردهای دیپلماسی فرهنگی مبتنی بر ظرفیت‌های ادبیات فارسی مثلاً استفاده از دیوان سعدی در گفت‌وگوهای بین‌فرهنگی.

- ارائه مدل‌های سیاستی برای هماهنگی میان نهادهای دولتی و غیردولتی فعال در ترویج زبان و فرهنگ فارسی.
- چنین پژوهش‌هایی می‌توانند مستقیماً در تصمیم‌گیری‌های سیاست‌گذاران به کار گرفته شوند.

۷. ایجاد نهادهای پژوهشی و داده‌ای مستقل

برای رفع شکاف نهادی، پیشنهاد می‌شود:

- تشکیل بانک‌های داده باز درباره آموزش زبان فارسی، ترجمه آثار، فعالیت‌های فرهنگی و بازخوردهای بین‌المللی.
- حمایت از پژوهش‌های دانشگاهی با دسترسی به داده‌های دولتی و غیردولتی.
- تقویت همکاری با مؤسسات بین‌المللی برای تبادل تجربه در سنجش قدرت نرم.



- بدون زیرساخت داده‌ای مستقل، هیچ پژوهش سیاست‌محور دقیقی امکان‌پذیر نیست.

نتیجه‌گیری

مطالعات قدرت نرم در فضای علمی ایران طی بیش از یک دهه گذشته مسیری تکاملی را طی کردند. از تمرکز اولیه بر تعریف و تبیین نظریه جوزف نای و تمایز آن با قدرت سخت، به سمت تحلیل منابع بومی، ادبیات کلاسیک، متون دینی، و نهایتاً کاربردهای منطقه‌ای و آموزشی. این روند نشان می‌دهد که حوزه قدرت نرم در ایران به تدریج از یک مفهوم انتزاعی و وارداتی به یک ابزار تحلیلی در سیاست فرهنگی و روابط بین‌الملل بدل شد.

با این حال، مرور پژوهش‌های موجود آشکار ساخت که این بدنه علمی همچنان با شکاف‌های مهمی مواجه است: مانند فقدان نظریه بومی جامع، غلبه رویکردهای کیفی توصیفی بر مطالعات تجربی، غفلت از صنایع فرهنگی و هنر معاصر، تمرکز محدود بر جغرافیای هم‌سایه و فاصله چشمگیر میان تحلیل‌های دانشگاهی و سیاست‌های اجرایی. این شکاف‌ها مانع از آن می‌شوند که ظرفیت‌های واقعی فرهنگ و ادبیات فارسی به‌عنوان منبعی پایدار و جذاب از قدرت نرم در سطح بین‌المللی بالفعل گردد.

در پاسخ به این کاستی‌ها، مسیرهای پژوهشی آینده روشن است: نظریه‌پردازی بومی بر پایه میراث ایرانی-اسلامی و تطبیق با چارچوب‌های جهانی، توسعه شاخص‌های کمی و پیمایش‌های میدانی برای سنجش اثرگذاری، توجه جدی به فرهنگ معاصر، رسانه‌های اجتماعی و صنایع خلاق، گسترش دامنه جغرافیایی به مناطق کمتر مطالعه‌شده و تلفیق میان‌رشته‌ای علوم انسانی، ارتباطات، داده‌کاوی و سیاست‌پژوهی. همچنین، ایجاد نهادهای مستقل و بانک‌های داده باز شرط لازم برای ارتقای کیفیت پژوهش‌ها و تبدیل نتایج علمی به سیاست‌های کارآمد است.

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که آینده پژوهش در حوزه قدرت نرم ایران نه در تکرار الگوهای ترجمه‌شده، بلکه در ترکیب خلاقانه میراث فرهنگی و ادبی فارسی با روش‌های نوین علمی و داده‌محور رقم خواهد خورد. چنین رویکردی می‌تواند قدرت نرم ایران را از سطح مفاهیم کلی به ابزاری عملی و استراتژیک برای دیپلماسی فرهنگی و حضور مؤثر در نظام بین‌الملل ارتقا دهد.



فهرست منابع؛

۱. افتخاری، اصغر و امام‌جمعه‌زاده، سید جواد (۱۳۹۱)، آسیب‌شناسی جایگاه و نقش قدرت نرم فرهنگی و اجتماعی انقلاب اسلامی ایران، رهیافت انقلاب اسلامی، (۲۰).
۲. ----- و کمالی، علی (۱۳۹۴)، ساختار قدرت نرم در گفتمان اسلام، مطالعات قدرت نرم، (۱۲).
۳. آقامهدوی، اصغر و نادری باباناری، مهدی (۱۳۹۰)، کاربرد قدرت نرم از ناحیه استکبار؛ رویکردی قرآنی، دانش سیاسی، (۲).
۴. پرنو، جواد (۱۳۹۸)، قدرت نرم در ایران باستان و انعکاس آن در سیاست خارجی، مطالعات علوم اسلامی انسانی، (۱۸).
۵. رفیعی قهساره، ابودر (۱۳۹۷)، الگوها و شاخص‌های سنجش و ارزیابی کارایی قدرت نرم کشور، مطالعات قدرت نرم، (۱۹).
۶. یاوریان، احمد و طوطیان اصفهانی، صدیقه (۱۴۰۲)، تبیین ابعاد و مؤلفه‌های ارتقای رفاه عمومی با رویکرد قدرت نرم، مطالعات قدرت نرم، (۳۲).
۷. قدسی، امیر (۱۳۹۰)، نقش رسانه ملی در ایجاد قدرت نرم و مقابله با جنگ نرم (با تأکید بر بازتولید سرمایه اجتماعی، مطالعات قدرت نرم، (۲).
۸. حدیدی، حسین (۱۳۹۹)، تجلی قدرت نرم در دعا‌های صحیفه سجادیه، مطالعات قدرت نرم، (۲۳).
۹. حیدری، جعفر، مسعودنیا، حسین، دوازده‌امامی، سید غلامرضا و رهبرقاسمی، محمودرضا (۱۳۹۹)، تجزیه و تحلیل تأثیر فرهنگ اینار بر قدرت نرم و امنیت نرم جمهوری اسلامی ایران، علم‌نامه فرهنگ و ارتباطات، (۲).
۱۰. خدامرادی، الناز و بشیر، حسن (۱۳۹۸)، قدرت نرم رسانه‌های نوین و تأثیر آن بر هویت فرهنگی نسل جوان، پژوهش‌های فرهنگی ارتباطات، (۳۲).
۱۱. خلیلی، ته‌مین و فلاح، ابوالفضل (۱۳۹۷)، بازتابی مؤلفه‌های قدرت نرم در سینمای پس از انقلاب، هنر و رسانه، (۱۵).
۱۲. رفیع، حسین و قربی، سید محمدجواد (۱۳۸۹)، کالبدشکافی قدرت نرم و ابزارهای کاربردی آن، مطالعات بسیج، (۴۷).
۱۳. داوری، پریسا و امیری، زهرا (۱۳۹۹)، نقش زبان فارسی در ارتقای قدرت نرم ایران، زبان و جامعه، (۲۵).
۱۴. سعیدی، روح‌الامین (۱۳۸۹)، بررسی نقش فرهنگ به‌عنوان ابزار قدرت نرم با تأکید بر قدرت نرم ایالات متحده آمریکا، ره‌آور سیاسی، (۲۸ و ۲۹).
۱۵. سعیدی، روح‌الامین و مقدم‌فر، حمیدرضا (۱۳۹۳)، منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، مطالعات قدرت نرم، (۱۱).
۱۶. سجادی، رضا و کاویانی، الهام (۱۳۹۶)، تأثیر مؤلفه‌های فرهنگی در افزایش قدرت نرم ایران در آسیای مرکزی، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، (۱۱۹).
۱۷. سعادت‌جو، مهدی و مرادی، امیرحسین (۱۳۹۷)، قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام؛ ظرفیت‌ها و چالش‌ها، مطالعات قدرت نرم، (۱۶).
۱۸. سلیمانی، نادر و طالبی، محسن (۱۳۹۸)، نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در بازتولید قدرت نرم فرهنگی، پژوهش‌های رسانه‌ای، (۲۷).
۱۹. شریفی، محمدجواد و صمدی، نرگس (۱۴۰۰)، بازتابی قدرت نرم در سیاست فرهنگی ایران پس از انقلاب اسلامی، فرهنگ و ارتباطات اسلامی، (۲۹).
۲۰. شعبانی سارویی، رمضان (۱۳۹۲)، قدرت نرم و هویت فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران، مطالعات قدرت نرم، (۹).
۲۱. شیرازی، مریم و سلطانی، کامران (۱۳۹۵)، رابطه میان سرمایه فرهنگی و مؤلفه‌های قدرت نرم در جامعه ایرانی، مطالعات فرهنگی و ارتباطات، (۲۱).
۲۲. صفاری، یاسر و محمدی، الهام (۱۳۹۷)، رسانه‌های دیداری و نقش آن‌ها در تقویت قدرت نرم ملی، پژوهش‌نامه ارتباطات اجتماعی، (۲۵).
۲۳. صفری، بهرام و طاهری، نرگس (۱۳۹۵)، دیپلماسی فرهنگی و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، پژوهش‌نامه سیاست خارجی اسلامی، (۶).
۲۴. طالب‌پور، علی و کاظمی، محمد (۱۳۹۲)، قدرت نرم در گفتمان انقلاب اسلامی؛ مؤلفه‌ها و راهبردها، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، (۸).
۲۵. طهماسبی، فرهاد و زارعی، سمانه (۱۳۹۴)، بررسی نقش سینما در تقویت قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، هنر و رسانه، (۱۱).
۲۶. عابدی، مصطفی (۱۳۹۸)، منابع قدرت نرم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، مطالعات سیاسی جهان اسلام، (۲۸).
۲۷. عبدی، ایمان و حسینی، محمد (۱۴۰۰)، نقش آموزش عالی در ارتقای قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، مطالعات قدرت نرم، (۳۰).
۲۸. عباس‌زاده، روح‌الله (۱۳۹۸)، واکاوی مؤلفه‌های قدرت نرم در آموزه‌های مهدوی، مشرق موعود، (۵۰).
۲۹. علوی، محمدباقر و زمانی، محسن (۱۳۹۱)، دیپلماسی رسانه‌ای و بازتابی قدرت نرم ایران در عرصه بین‌الملل، پژوهش‌های سیاسی بین‌المللی، (۷).
۳۰. فاضلی، ابراهیم و فرید، مرتضی (۱۳۹۹)، آموزش و پرورش و نقش آن در شکل‌دهی به قدرت نرم ملی، مطالعات اجتماعی ایران، (۴۲).
۳۱. قاسمی، علی‌اصغر و رضایی، محمد (۱۳۹۶)، نقش ادبیات مقاومت در تولید قدرت نرم فرهنگی ایران، ادبیات پایداری ایران، (۱۳).
۳۲. کاظمی، سید وحید و حسینی، مریم (۱۳۹۸)، تبیین نقش زنان در تقویت قدرت نرم اجتماعی، مطالعات جامعه‌شناسی ایران، (۳۱).
۳۳. کاشفی، احمد و حیدری، سارا (۱۴۰۰)، ظرفیت‌های زبان فارسی در گسترش قدرت نرم فرهنگی ایران، مطالعات قدرت نرم، (۲۹).
۳۴. کریمی، سجاد و قنبری، الهام (۱۳۹۹)، تحلیل محتوای برنامه‌های تلویزیونی با رویکرد قدرت نرم، پژوهش‌های ارتباطی ایران، (۲۲).
۳۵. منتقی‌زاده، احمد (۱۳۹۰)، مؤلفه‌های قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران، مطالعات قدرت نرم، (۲).
۳۶. محمدی، نادر و خسروی، بهرام (۱۳۹۵)، راهبردهای فرهنگی برای افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، مطالعات فرهنگی انقلاب اسلامی، (۱۰).



۳۷. مرتضوی، محمدرضا (۱۳۹۷)، دیپلماسی دینی و نقش آن در گسترش قدرت نرم ایران، پژوهش‌نامه سیاست خارجی اسلامی، (۹).
۳۸. مسعودنیا، حسین، حسینی، علی و محمدی‌فر، نجات (۱۳۹۳)، نقش فرهنگ سیاسی شیعه در میزان قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، راهبردی بسیج، (۶۳).
۳۹. موسوی، زهرا و جلالی، امیر (۱۴۰۱)، نقش موسیقی آیینی در بازتولید قدرت نرم فرهنگی، مطالعات هنر اسلامی، (۳۳).
۴۰. ناظمی، فاطمه و باقری، رضا (۱۳۹۴)، نقش آموزش دینی در افزایش قدرت نرم فرهنگی، مطالعات فرهنگی دین، (۱۷).
۴۱. نصیری، حمیدرضا و اکبری، محمدرضا (۱۳۹۴)، رسانه‌های نوین و بازتولید قدرت نرم در جهان معاصر، پژوهش‌های ارتباطات اجتماعی، (۴).
۴۲. نعمتی، پیمان و یوسفی، احمد (۱۳۹۸)، بررسی نقش دانشگاه‌ها در تقویت قدرت نرم ایران، مطالعات قدرت نرم، (۲۷).
۴۳. نوروزی، کامبیز و سهرابی، نرگس (۱۳۹۶)، قدرت نرم و تأثیر آن بر روابط بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران، مطالعات سیاست بین‌الملل، (۲۰).
۴۴. هاشمی، جواد و اسکندری، زهرا (۱۳۹۲)، تحلیل تطبیقی مفهوم قدرت نرم در اندیشه جوزف نای و اندیشه اسلامی، پژوهش‌نامه علوم سیاسی، (۶).
۴۵. هرسیج، حسین و نویس‌کائی، مجتبی (۱۳۸۹)، تأثیر مؤلفه‌های هویت‌ساز ایرانی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، تحقیقات فرهنگی ایران، (۹).
۴۶. ----- و جعفری، لیلا (۱۳۸۸)، ژئوپلیتیک قدرت نرم ایران، پژوهش‌نامه علوم سیاسی، (۲).
۴۷. واعظی، مصطفی (۱۳۹۴)، مبانی نظری قدرت نرم از منظر قرآن کریم، مطالعات قدرت نرم، (۱۳).
۴۸. یوسفی، محمدرضا و فرهادی، سعید (۱۳۹۹)، نقش رسانه‌های دینی در تقویت قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، مطالعات فرهنگ و دین، (۲۴).